

گزارش مشروح «وقایع اسرائیلیه»
از فرمانده جدید سنتکام که منطقه
عملیاتی اش غرب آسیاست



وقایع اسرائیلیه

ضمیمه هفتگی روزنامه فرهیختگان
شماره بیست و هشتم | هفته دوم شهریور ماه ۱۴۰۴

پای استعمار و گلیم منطقه



محمد صادق علیزاده

بهار ۱۲۹۵ شمسی و در میانه‌های جنگ جهانی بود که نمایندگان انگلیس و فرانسه محرمانه دور هم نشستند. یک طرف جنگ امپراتوری عثمانی بود و فرانسه و انگلیس هم طرف مقابل. فرانسه و انگلیس با هم جلسه گذاشتند و فرض شان این بود که اگر فردای جنگ، عثمانی شکست خورده از آن بیرون آمد چگونه سرزمین‌های عربی تکه پاره شده از پهلوی امپراتوری را بین خودشان تقسیم کنند. لقمه چربی بود؛ مجموعه‌ای که امروز کشورهای عراق، سوریه، اردن، لبنان، عربستان سعودی، فلسطین و مصر را تشکیل می‌دهند. خطی از کرکوک در شمال عراق کشیده شد تا حیفاد در ساحل مدیترانه. بالای خط، سرزمین‌های تحت کنترل و منافع فرانسه شد و پایین خط هم سرزمین‌های تحت کنترل و منافع انگلیس. طرفین در مورد فلسطین به تفاهمی دست پیدا نکردند. هر دو طرف انگیزه زیادی برای سیطره بر آن داشتند. در نهایت با استثنایکردن بندر حیفاد و واگذاری آن به انگلیس، به حاکمیت بین‌المللی فلسطین رضایت دادند. بماند که در پاییز ۱۲۹۶ شمسی انگلیسی‌ها در قالب بیانیه بالفور قول فلسطین را هم به سازمان جهانی صهیونیسم دادند. الباقی سرزمین‌های تکه پاره عثمانی با خط‌کش دستگاه‌های استعماری فرانسه و انگلیس مرزبندی شد؛ مرزهایی که تا امروز پابرجا مانده‌اند. نتیجه‌اش کشورهای تازه تأسیسی شدند که آن‌ها را به نام‌های عراق، اردن، عربستان، مصر، سوریه و لبنان می‌شناسیم. جغرافیای سیاسی خاورمیانه رانه اراده و تصمیم مردم منطقه و ساکنانش، بلکه نوک خط‌کش کارمندان دستگاه‌های استعماری انگلیس و فرانسه پدید آوردند. فلسطین هم در کنار این مرزهای سایکس-پیکوایی قصه پر غصه دیگری شد. تا امروز؛ یک زخم ناسور چرکین که هنوز از آن خون می‌چکد. امپراتوری بریتانیا از اواسط قرن بیستم و هم‌زمان با جعل اسرائیل در سرزمینی افول افتاد. ایالات متحده آمریکا آرام‌آرام از مسند ابرقدرتی بالارفت. صهیونیسم - که نقطه‌اش در رحم استعمار انگلیسی بسته شده بود - پس از تولد و پدید آمدن رژیم اسرائیل و از همان اواسط قرن بیستم بقای خود را در عشق بازی با آمریکا دید؛ عشقی که چرخه‌اش از جنگ ۱۹۶۷ با مصر به عنوان نایب بلوک شرق در غرب آسیا زده شد و تا الان هم ادامه دارد. حالا در تابستان ۱۴۰۴ نخست وزیر رژیم عبری گفته دل بسته ایده اسرائیل بزرگ است که شامل بخش‌هایی از سوریه، عراق و اردن هم می‌شود. نتانیاهو گفته در این مسیر مسئولیتی تاریخی برای خود قائل است. اگر جیمز بالفور، وزیر خارجه انگلیس در سال ۱۲۹۶ شمسی و یک سال بعد از سایکس-پیکو در ژئوپلیتیک منطقه و ابر پاشنه استعمار چرخاند و اسرائیل به عنوان زائده آن خلق شد، حالا در ۱۴۰۴ شمسی نتانیاهو که ظاهراً با بی‌دولتی سوریه و همراهی اردن و تصور ضعف محور مقاومت، موقعیت را مناسب دیده از ایده اسرائیل بزرگ می‌گوید. توماس باراک، نماینده آمریکا در امور سوریه و لبنان گفته نگاه تل‌آویو به مرزها پس از ۷ اکتبر دگرگون شده و خطوط ترسیم شده در توافقنامه سایکس-پیکو را «بی‌معنا» می‌داند. دوباره پای یک استعمار در میان است. در دو قرن اخیر همواره پای استعمار بوده که روی گلیم منطقه دراز شده است.

سایکس پیکو نیا هو

همه چیز درباره طرح «اسرائیل بزرگ»

که شامل بخش‌هایی از سوریه، لبنان، اردن، عراق

و سعودی هم می‌شود